

تأثیر روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل بر امنیت ملی ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۵/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۱۶

علی امیدي*

مصطفی خیری**

چکیده

استدلال اصلی این مقاله این است که مقامات جمهوری آذربایجان در چارچوب اختلافاتی که با ارمنستان، به ویژه در مسئله قره‌باغ دارند، به روابط با اسرائیل می‌اندیشند و در این رابطه، عمدتاً به دنبال دستیابی به ادوات و تکنولوژی‌های پیشرفته نظامی از اسرائیل و کسب حمایت لابی صهیونیستی در آمریکا برای مقابله با لابی ارمنی هستند. در مقابل، اسرائیل نیز در قالب «دکترین پیرامونی» به روابط خود با جمهوری آذربایجان می‌نگرد که به نظر می‌رسد بخش مهمی از هدف آن، مقابله با جمهوری اسلامی ایران در ابعاد سیاسی، نظامی، اطلاعاتی و حتی اقتصادی است.

واژگان کلیدی: آذربایجان، ایران، اسرائیل، سیاست خارجی، نظریه اتحاد.

al.omidi@gmail.com

* دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)

** دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال نوزدهم • شماره سوم • پاییز ۱۳۹۵ • شماره مسلسل ۷۳

مقدمه

بعد از جنگ سرد، منطقه قفقاز جنوبی به عنوان منطقه‌ای حساس در رقابت‌های ژئوپلیتیکی میان قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای ظهور کرد. منابع غنی انرژی در دریای خزر و منطقه قفقاز به عنوان کریدور انتقال این انرژی به غرب، باعث ارتقاء جایگاه منطقه‌ای و جهانی قفقاز شده و به تدریج زمینه را برای حضور و فعالیت‌های شرکت‌ها و دولت‌های غربی فراهم کرده است و به تدریج زمینه را برای حضور و فعالیت‌های شرکت‌ها و دولت‌های غربی فراهم کرده است (Sadegh-Zadeh, 2008: 2). آذربایجان به عنوان بزرگترین اقتصاد قفقاز با داشتن ذخایر انرژی اثبات‌شده به میزان ۷ میلیارد بشکه نفت، کشور مهمی در این ناحیه محسوب می‌شود. علاوه بر این، میزان ذخایر گازی ثابت شده این کشور در حدود ۳۵ تریلیون فوت مکعب است (EIA, 2015). انتظار می‌رود با کشف میدان‌های جدید نفت و گاز در سایر نواحی باکو و توسعه میدان گازی «شاه دنیز» سهم آذربایجان در بازار انرژی دنیا افزایش یابد. با توجه به تجربه تلخ تاریخی جمهوری آذربایجان از نقض حاکمیت و استقلال خود، دولت‌مردان کنونی این کشور در پی استفاده از اهرم انرژی و جایگاه ژئواستراتژیک خود برای یافتن شرکای مطمئن برای تضمین استقلال و گسترش منابع انرژی خویش هستند.

از دید باکو، غربی‌ها بهترین گزینه برای رسیدن باکو به اهداف اقتصادی و امنیتی خود هستند. در این میان، گسترش روابط جمهوری آذربایجان با اسرائیل به عنوان ابزاری برای کسب حمایت لابی‌های صهیونیستی در آمریکا، گسترش روابط با واشینگتن و تأمین نیازهای تسلیحاتی و اقتصادی باکو تعریف شده است. اسرائیلی‌ها هم برای کسب و گسترش نفوذشان در منطقه که بیشتر جنبه امنیتی-اطلاعاتی دارد، درصدد گسترش روابط با جمهوری آذربایجان هستند. در یکی از اسناد منتشرشده از سوی ویکی‌لیکس، الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان، روابط باکو و تل‌آویو را به کوه یخ تشبیه کرده که فقط سرش پیداست (Lindentrauss, 2015: 69). با توجه به دشمنی استراتژیک تهران و تل‌آویو، حضور و نفوذ اسرائیل در منطق هم‌جوار و همسایگان ایران، نمی‌تواند برای منافع و امنیت ملی کشورمان بدون پیامد باشد.

با توجه به این مسئله مهم، در این مقاله تلاش بر آن است تا به این سؤالات پاسخ داده شود: آیا روابط باکو و تل‌آویو از نوع اتحاد استراتژیک است یا اتحاد تاکتیکی؟ همکاری‌های امنیتی-نظامی، اطلاعاتی و اقتصادی جمهوری آذربایجان با اسرائیل چگونه بر امنیت ملی جمهوری

اسلامی ایران تأثیر می‌گذارد؟ بر اساس فرضیه این مقاله، روابط باکو و تل‌آویو از نوع اتحاد تاکتیکی است. با وجود این، حضور سیاسی، نظامی، اطلاعاتی و اقتصادی اسرائیل در آذربایجان، با توجه به دشمنی آشکار اسرائیل با ایران، تهدیداتی علیه امنیت ملی کشورمان در ابعاد سیاسی، نظامی و اقتصادی ایجاد می‌کند. رصد فعالیت‌های نظامی و هسته‌ای ایران، تأثیرگذاری منفی در روابط تهران و باکو، ممانعت از شکل‌گیری ترتیبات سیاسی مطلوب ایران در منطقه قفقاز و جلوگیری از نفوذ ایران در این منطقه، از جمله مشکلاتی است که حضور اسرائیل در آذربایجان برای کشورمان ایجاد می‌کند.

الف. چگونگی و چرایی شکل‌گیری اتحادها

مهم‌ترین نظریه در تبیین ماهیت و شکل روابط و همکاری بین دولت‌ها، نظریه «اتحاد» است. تعریف واحدی از اتحاد که مورد پذیرش همه نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل باشد، وجود ندارد. مورگنتا^۱ اتحادها را شکل ویژه‌ای از همکاری‌های بین‌المللی می‌داند که «با موافقت‌نامه مکتوب و رسمی میان دو یا چند دولت و برای مدت معینی به قصد پیشبرد منافع‌شان به ویژه در ارتباط با امنیت ملی ایجاد شده است» (مورگنتا، ۱۳۸۴: ۳۰۹). استفان والت^۲ اتحاد را آرایش رسمی یا غیررسمی برای همکاری‌های امنیتی بین دو یا چند دولت مستقل می‌داند (Walt, 1987: 12). در مجموع، اتحادها تعهدی برای حمایت متقابل نظامی در مقابل برخی از بازیگران خارجی در بعضی از شرایط ویژه هستند. اتحادهای سنتی بیشتر با مسائل نظامی شناخته می‌شوند، ولی در دنیای جدید، اهداف سیاسی- اقتصادی در کنار اهداف نظامی مطرح هستند. در مورد دلایل شکل‌گیری اتحادها، برخی به بحث موازنه قدرت و تلاش دولت‌ها برای ایجاد موازنه در برابر رقبا و دشمنان‌شان اشاره می‌کنند.

استفان والت بحث «توازن تهدید» را در مقابل «توازن قدرت» مطرح کرده و معتقد است دولت‌ها بر اساس تهدیداتی که برای خویشان متصور هستند، به سمت اتحاد می‌روند. یکی از انواع اتحادها در میان کشورها، «اتحاد تاکتیکی» است که هدف اصلی آن مقابله با تهدیدهای

1. H. J. Morgenthau

2. Stephan Walt

فوری است؛ تهدیداتی که منافع حیاتی دولت‌ها را به چالش می‌کشند (Ghez, 2011: 6). این نوع از اتحادها در واقع ابزاری و فرصت‌طلبانه هستند؛ زیرا به دولت‌ها این امکان را می‌دهند تا موضوعات فوری و ضروری را مورد توجه قرار دهند. این اتحادها بر اساس واقعیت‌های موجود و الزامات ناشی از آن‌ها قابل توجیه هستند. از نمونه‌های آن در تاریخ، می‌توان به اتحاد آلمان نازی با شوروی و یا آمریکا با چین اشاره کرد. منافع ژئوپلیتیکی قوی و یا ادراک تهدید به تداوم اتحاد تاکتیکی می‌انجامد. زمانی که منافع تغییر می‌کند یا بازتعریف می‌شود و یا زمانی که تهدید از میان برداشته می‌شود، این نوع اتحاد نیز معمولاً خود به خود از بین خواهد رفت.

احساس تهدید موجب نزدیکی و اتحاد کشورهای می‌شود که نه تنها اشتراکات چندانی باهم ندارند، بلکه ممکن است رقیب هم باشند؛ یعنی دو کشور از دو ائتلاف رقیب نیز می‌توانند با هم متحد شوند. این نوع اتحاد نیازمند حس هم‌دلی و هم‌دردی نیست، بلکه منافع یا تهدیدات مشترک زمینه‌ساز آن است (Ghez, 2011: 7). اتحاد استراتژیک یکی دیگر از انواع اتحادهاست. برای ایجاد اتحاد استراتژیک، باید بین دو کشور در رابطه با مسائل جهانی، ارزش‌های جهان‌شمول و منافع بلندمدت، توافق و همکاری وجود داشته باشد (Aras & Ozbay, 2008: 54). همکاری‌های بلندمدت و قابل اعتماد، مهم‌ترین شرط در شکل‌گیری اتحادهای استراتژیک است. وجود اهداف استراتژیک، نقطه شروع در شکل‌گیری اتحاد استراتژیک است. اعتقاد راسخ متحدین استراتژیک بر این است که تلاش‌ها و همکاری‌های آن‌ها شانس‌شان را در رسیدن به اهداف استراتژیک مشترک افزایش خواهد داد.

مدل آرمانی اتحاد استراتژیک دارای سه شرط است: ۱. روابط از شدت و اولویت برخوردار است. بی‌نظیربودن روابط در دیدارهای مستمر مقامات سطح بالا و اظهارات و بیانیه‌ها قابل مشاهده است. از نمودهای آن در حوزه اقتصاد، می‌توان به حجم بالای تجارت، سرمایه‌گذاری اقتصادی و فقدان موانع در دستیابی به بازارهای ملی در میان متحدین اشاره کرد؛ ۲. در سطح دولت‌ها و جوامع متحد، روابط نهادمند وجود دارد که زمینه را برای تداوم و تسهیل روابط فراهم می‌کند. همکاری بین واحدهای محلی، همکاری در حوزه‌های فرهنگی، مبادلات دانشگاهی و ایجاد مکانیزم‌های مشورتی منظم بین واحدهای نظامی در این چارچوب عنصر نهادمندی در اتحادهای استراتژیک می‌گنجد؛ ۳. وجود حس هم‌دلی و هم‌دردی ملی میان متحدین که

نشان‌دهنده اعتماد و وفاداری است. این حس هم‌دلی می‌تواند از تجربیات مثبت گذشته نشأت بگیرد (Czechowska, 2013: 50).

ب. موازنه ژئوپلیتیک در سیاست خارجی جمهوری آذربایجان و اسرائیل

سیاست خارجی اسرائیل همواره تحت تأثیر موقعیت ژئوپلیتیک آن، اختلافاتش با اعراب و مشکل پذیرش موجودیت و مشروعیت آن به ویژه توسط دولت‌های مسلمان و عرب بوده است. اسرائیل رژیم است کوچک با جمعیت هفت میلیونی که از این میزان، یک و نیم میلیون آن نیز مسلمان هستند. این رژیم از بدو تأسیس تا امروز، مشکلات زیادی برای همسایگان خود ایجاد کرده است. عدم پذیرش آن از سوی همسایگان و جنگ‌های متعدد میان آن‌ها، نشان بارزی از اختلاف اساسی بین آن‌هاست (Sajedi, 2008: 80). در چنین شرایطی، اصل کلی «خروج از انزوای سیاسی و دیپلماتیک» از ابتدا الگوی رهبران اسرائیل بوده و بر این اساس، اندیشه ائتلاف منطقه‌ای همیشه در دستورکار سیاستمداران اسرائیلی قرار داشته است. راهبرد پیرامونی^۱ که از آغاز شکل‌گیری رژیم اسرائیل، بنیان سیاست خارجی و تأمین امنیت آن محسوب می‌شود، توسط «دیوید بن گوریون» و دیگر سیاستمداران اسرائیلی برای مقابله با انزوا و محاصره این رژیم از سوی اعراب طرح‌ریزی شده بود.

بر اساس این دکترین، اسرائیل می‌بایست با کشورهای غیرعرب که به لحاظ جغرافیایی نزدیک به آن هستند، روابط مستحکم و دوستانه‌ای در عالی‌ترین سطوح برقرار می‌نمود تا در مقابله با خطر دولت‌های عربی، موازنه قدرت حاصل شود. این طرح در ابتدا کشورهایمانند ایران، ترکیه و اتیوپی را شامل می‌شد. دکترین پیرامونی به گونه‌ای چارچوب‌بندی شده که گسترش روابط نزدیک با کشورهای مسلمان غیرعرب خاورمیانه مبنای آن بود. ترکیه و ایران پیش از انقلاب، هم‌زمان دو هدف اصلی این سیاست بودند (توسلی رکن‌آبادی و رضایی، ۱۳۸۹: ۱)، اما پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان در ترکیه (در قالب حزب عدالت و توسعه)، دکترین اتحاد پیرامونی را با چالشی جدی مواجه کرد. در چنین

شرایطی، از نظر اسرائیل، آنکارا در بهترین حالت، دولتی غیردوست به شمار می‌آید و تهران تهدیدی نامبارک است. با این وضعیت، طبیعی است رژیم اسرائیل به دنبال متحدان جدیدی برای پیشبرد دکترین اتحاد پیرامونی است. جمهوری آذربایجان یکی از بازیگرانی است که به دلیلی شرایطی که دارد و مسائلی که با آن مواجه است، می‌تواند در این چارچوب مد نظر مقامات رژیم صهیونیستی باشد. اسرائیل با درک شرایط جمهوری آذربایجان، هم‌زمان با فروپاشی اتحاد شوروی، درصد اعمال دکترین پیرامونی در رابطه با این کشور برآمد (Murinson, 2014: 19).

آذربایجان نیز از زمان استقلال در سال ۱۹۹۱، سیاست خارجی مبتنی بر «موازنه ژئوپلیتیک»^۱ را در پیش گرفته است. موازنه ژئوپلیتیک به معنای ایجاد تعادل بین نیروهای سیاسی - جغرافیایی متعارض است (Kelly, 2016: 39). این سیاست در جستجوی چهار هدف اصلی و اساسی بوده است: بازپس‌گیری ناگورنو قره‌باغ از طریق دیپلماسی و موازنه نظامی، عدم تحریک روسیه، حسن هم‌جواری با همسایگان (منهای ارمنستان) و حرکت خزنده به سوی همگرایی با غرب به ویژه کشور ترکیه (Fuller, 2013: 1-12). آذربایجان در طول دو دهه اخیر، استراتژی عدم تحریک همسایه روسی‌اش را به خوبی اثبات کرده است. باکو حساسیت همسایه روسی خود را در نظر دارد و لحن آرام و محتاطانه‌ای در قبال آن در پیش گرفته و ترجیح می‌دهد تا زمانی که مسیر کلی الحاق به غرب را نپیموده، مانند گرجستان ناشیانه عمل نکند. این دیپلماسی مانع شده تا روسیه سیاست تهاجمی در قبال آذربایجان در پیش بگیرد.

به همین دلیل، باکو در جریان جنگ محدود گرجستان و روسیه در سال ۲۰۰۸، سکوت کرد؛ انگار که حادثه‌ای اتفاق نیفتاده است. وزیر خارجه آذربایجان در مصاحبه با روزنامه فاینانشال تایمز، در این مورد اظهار داشت: «ما سعی می‌کنیم با همه دوست باشیم و در عین حال به منافع ملی خود عمل می‌کنیم» (Fuller, 2013: 4). این استراتژی، مستلزم جداسازی موضوعات^۲ در روابط با طرف‌های ذی‌ربط است که به معنی حفظ روابط، با وجود اختلافات است. برای نمونه، باکو بر اهمیت روابط با ایران تأکید می‌کند، ولی شدیداً با اعضای حزب

1. geopolitical equilibrium

2. compartmentalization

اسلامی آذربایجان و تالشی‌ها به جرم جاسوسی برای ایران نیز برخورد می‌کند (Fuller, 2013: 4). باکو پس از فروپاشی شوروی و با توجه به رویدادهای پیش‌آمده در منطقه، نزدیکی به غرب را در بستر استراتژی بلندمدت خود قرار داده که در این میان، اسرائیل می‌تواند نقش متغیر تسهیل‌کننده داشته باشد. یکی از اهداف این استراتژی، امید به غرب برای کمک به بازپس‌گیری دیپلماتیک ناگورنو قره‌باغ از دست ارمنستان است. آذربایجان یکی از شش جمهوری شوروی سابق است که با اتحادیه اروپا قرارداد همکاری در «برنامه مشارکت شرقی» امضا کرده و طبق آن متعهد به اصلاحات سیاسی و اقتصادی شده است. اتحادیه اروپا نیز قره‌باغ را بخشی از جمهوری آذربایجان دانسته است.

در عین حال، برای آذربایجان، همسایه جنوبی یعنی ایران را نمی‌توان نادیده گرفت. دو کشور ۶۱۸ کیلومتر مرز زمینی مشترک دارند و در دریای خزر نیز هم‌مرز بوده و به علاوه، دارای گذشته و عناصر فرهنگی مشترکی هم هستند. آذربایجان دومین کشور شیعه بعد از ایران بوده (نسبت به جمعیتی که دارد) و مانند ایران، عضو اگوست. بنابراین، باکو نمی‌تواند با توجه به الزامات ژئوپلیتیکی که دارد، تهران را نادیده بگیرد؛ همچنان که ایران نیز نمی‌تواند جمهوری آذربایجان را در محاسبات خویش نادیده بگیرد.

با وجود این، باکو رابطه با ایران را با توجه به حساسیت‌های غرب در قبال تهران پیگیری کرده که یکی از این حساسیت‌ها، روابط حسنه با اسرائیل است. آذربایجان برای جبران الزامات و محدودیت‌های ژئوپلیتیکی خود به اقدامات زیر مبادرت کرده است:

۱. همکاری دوجانبه با تعداد زیادی از کشورها؛
 ۲. همکاری با بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی اعم از اسلامی، غربی و شرقی؛
 ۳. همکاری نزدیک با ترکیه (ترکیه مهم‌ترین شریک استراتژیک باکو محسوب می‌شود و ضرب‌المثل «یک ملت در قالب دو دولت» گویای آن است. شاهد بارز آن، کمک نظامی ترکیه به باکو و بستن مرزهای مشترک با ارمنستان در جریان جنگ قره‌باغ است).
- بنابراین، جمهوری آذربایجان سیاست خارجی مبتنی بر عمل‌گرایی و متوازن با قدرت‌های جهانی را در راستای اهداف ملی خود در پیش گرفته است (Makili-Aliyev, 2013: 3).

ج. پیشینه و منطق روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل

منابع تحقیقی و تاریخی تأیید می‌کنند که آذربایجانی‌ها و یهودیان اشکنازی^۱ در آذربایجان، برای قرن‌ها در کنار هم زیسته‌اند (Sloame, 2012: 1). در قرن نوزدهم، تحت حکم رانی روسیه، یهودیان اشکنازی شروع به مهاجرت به آذربایجان کردند. در این قرن، باکو مرکز جنبش یهودی در امپراطوری روسیه به شمار می‌رفت. نخستین شعبه دوستداران یهود در سال ۱۸۹۱ در باکو تأسیس شد و در سال ۱۹۱۰ اولین کنیسه یهودیان توسط گروهی یهودی در شهر باکو افتتاح شد (Khalifa-Zadeh, 2013: 4). در کنار فعالیت‌های مذهبی، گروه‌های یهودی فعالیت‌های اقتصادی خود را در آذربایجان گسترش دادند؛ به طوری که در سال ۱۸۸۳ شرکت‌های نفتی متعلق به خانواده روتس‌چیلدس^۲ وارد صحنه اقتصادی باکو شدند (Altstadt, 1999: 22). در دوران کوتاه استقلال آذربایجان از روسیه تزاری در سال‌های ۱۹۲۰-۱۹۱۸، یهودیان از فضای مساعد موجود بهره برده و توانستند مراکز علمی و دانشگاهی در آذربایجان راه‌اندازی کنند که از جمله آن‌ها می‌توان به تأسیس دانشگاه یهودی در سال ۱۹۱۹ و انتشار متون علمی به زبان عبری اشاره کرد.

گیندس^۳ که یهودی اشکنازی بود، به عنوان وزیر بهداشت جمهوری دموکراتیک آذربایجان خدمت کرد. یهودی‌های بیشتری در دوره اتحاد شوروی وارد آذربایجان شده و سکونت پیدا کردند. در مجموع، یهودیان اشکنازی بخش مهمی از نخبگان فکری و تکنولوژیکی جمهوری آذربایجان سوسیالیستی را تشکیل می‌دادند (Murinson, 2008: 3). بعد از اشغال جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۲۰ توسط روسیه، ارتش سرخ امپراطوری روسیه پیشرو نهضت ضد یهودی در اروپا گردید. سربازان ارتش سرخ به صورت سازمان‌یافته حملاتی را علیه جمعیت یهودی‌نشین آذربایجان ترتیب داد که طی این حملات، ده‌ها هزار تن از یهودی‌ها را قتل عام کرد. به این ترتیب، روسیه تحت حکم‌رانی بلشویک‌ها، مانع فعالیت کلیه سازمان‌های فرهنگی و علمی و کلوب‌های اجتماعی یهودی‌ها در آذربایجان گردید (Abilov, 2009: 3). بعد از مرگ

1. Ashkenazi
2. Rothschilds
3. Yevsey Gindes

استالین، سیاست نرم‌تر و ملایم‌تری نسبت به یهودی‌ها در آذربایجان اتخاذ گردید و این امر باعث احیای دوباره فعالیت‌های فرهنگی و علمی آن‌ها گردید؛ به‌طوری که در سال ۱۹۸۲ دوره آموزش زبان عبری از سر گرفته شد (Sapozhnikov, 2010: 1).

در حال حاضر، رهبران جمهوری آذربایجان مسرور از داشتن مناسبات خوب تاریخی با اقلیت اشکنازی، سعی در استفاده از این پشتوانه تاریخی برای تعمیق روابط استراتژیک با رژیم اسرائیل دارند. در حال حاضر، حدود ۱۱ هزار یهودی و ۵ هزار اشکنازی در شهرهای مهم آذربایجان نظیر باکو، قوبا و گنجه سکنی گزیده‌اند (Yaakov, 2006: 1). در حال حاضر، رهبران باکو در تلاش برای برقراری روابط با اسرائیل با اهداف تاکتیکی در منطقه قفقاز هستند. آن‌ها از برقراری رابطه با اسرائیل اهدافی مانند استفاده از نفوذ لابی‌های صهیونیستی و یهودی در امریکا در برابر لابی‌های ارمنی، استفاده از تجهیزات پیشرفته نظامی و کشاورزی اسرائیلی‌ها برای مدرن‌سازی ارتش و بخش کشاورزی و همچنین تثبیت جایگاه خود در منطقه و موازنه نسبی با نفوذ روسیه و ایران را دنبال می‌کنند. تل‌آویو اهدافی همچون تأمین امنیت انرژی، سرمایه‌گذاری در بخش‌های کشاورزی و نظامی آذربایجان، رصد فعالیت‌های نظامی و هسته‌ای ایران، حضور در منطقه و مقابله با اسلام‌گرایی را در روابط خویش با جمهوری آذربایجان دنبال می‌کند. از نگاه اسرائیلی‌ها، آذربایجان می‌تواند متحد استراتژیک اسرائیل باشد؛ زیرا در کنار تجربیات تاریخی مثبت، ماهیت سکولارگونه حکومت در جمهوری آذربایجان و گرایش‌های غرب‌گرایانه آن و نبود بنیادگرایی مذهبی در میان مردم آذربایجان، حس دوستی و ایستارهای طرفداری از اسرائیل را در میان آذری‌های تقویت کرده است (Ehrmann & Others, 2013: 4).

د. همکاری‌های نظامی و سیاسی جمهوری آذربایجان و اسرائیل

جمهوری آذربایجان از زمان استقلال در سال ۱۹۹۱ درگیر تنش با ارمنستان بوده است. ارمنستان توانسته منطقه قره‌باغ کوهستانی و هفت منطقه اطراف آن را که در مجامع بین‌المللی جزئی از خاک جمهوری آذربایجان به شمار می‌آیند، به اشغال خود درآورد (RIANovosti, 2010). در واقع، مهم‌ترین چالش امنیتی باکو از نظر مقامات این کشور، تجاوز ارمنستان به خاک این کشور است؛ تجاوزی که در اثر آن، ۱۶ درصد از خاک این کشور توسط نیروهای ارمنی اشغال شده و

این اشغال هنوز ادامه دارد. همچنین، در اثر این تجاوز، بیش از ۵۸۶ هزار آذربایجانی ساکن قره‌باغ و مناطق اشغالی مجاور آواره شده‌اند (International Crisis Group, 2011: 1). به رغم اینکه شورای امنیت با صدور چهار قطعنامه ۸۲۲، ۵۳۸، ۸۷۴ و ۸۸۴ اشغال قره‌باغ را محکوم کرده و خواستار خروج نیروهای ارمنی از مناطق اشغالی شده، گروه مینسک متشکل از روسیه، فرانسه و آمریکا تا کنون اقدامی جهت آزادسازی مناطق اشغالی آذربایجان انجام نداده‌اند (Makili-Aliyev, 2013: 7).

در چنین شرایطی، باکو برای ایجاد تعادل در برابر فشارهای سیاسی روسیه از یک طرف و آزادسازی اراضی اشغالی خود از دست ارمنستان از طرف دیگر، استراتژی سیاسی اتحاد بیشتر با ترکیه و ائتلاف با غرب و اسرائیل را در پیش گرفته است. برای باکو، داشتن رابطه با اسرائیل مسئله مهمی است؛ زیرا اسرائیل در مناقشه قره‌باغ کوهستانی همراه با ترکیه از موضع آذربایجان حمایت می‌کند. از دید مقامات آذربایجانی، همکاری‌های آذربایجان و اسرائیل از چند جهت حائز اهمیت است: ۱. افزایش همکاری‌های اطلاعاتی با اسرائیل و دریافت تکنولوژی‌های نظامی پیشرفته از این رژیم؛ ۲. مدرن‌سازی نظامی آذربایجان (AzNews, 2012)؛ ۳. استفاده از نفوذ لابی‌های صهیونیستی و یهودی در آمریکا برای مقابله با لابی‌های ارمنی که علیه آذربایجان فعالیت می‌کنند. در جریان سفر حیدر علی‌اف، رئیس‌جمهور سابق و فقید جمهوری آذربایجان، به آمریکا در سال ۱۹۹۷، وی خواستار دیدار با سازمان‌های یهودی شد؛ ۴. استفاده از نفوذ لابی‌های صهیونیستی و یهودی برای گسترش روابط آذربایجان با آمریکا و غرب و جلب حمایت‌های بیشتر از سوی آمریکا (Murinson, 2014: 19). در این میان، یکی از اهداف اصلی باکو، استفاده از توان‌مندی‌های تسلیحاتی اسرائیل در راستای آزادسازی اراضی اشغالی خود است.

در واقع، آموزش و مدرنیزه کردن ارتش آذربایجان بخش مهمی از همکاری‌های نظامی و امنیتی میان باکو و تل‌آویو است. کمی بعد از جنگ جمهوری آذربایجان و ارمنستان، اسرائیلی‌ها به آموزش نظامی نیروهای آذربایجانی مشغول شدند. آن‌ها به تدریج با ارائه تجهیزات نظامی از قبیل تانک‌های پیشرفته، ضدتانک و سلاح‌های مدرن پیاده‌نظام، به مدرنیزه کردن ارتش آذربایجان پرداختند (Abilov, 2009: 8). از سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۴ که جنگ بین آذربایجان و ارمنستان ادامه داشت، اسرائیل از باکو از طریق ارائه موشک‌های استیگر و ادوات جنگی حمایت نظامی به عمل

آورد (The Washington Institute for Near East Policy, 2005). در این جنگ، جمعیت یهودی آذربایجان نیز در کنار آذری‌ها جنگیدند. در سال ۱۹۹۷ بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، سفری غیررسمی به جمهوری آذربایجان داشت که در آن، درباره روابط دوجانبه و تهدیدهای ایران مذاکراتی را با حیدر علی‌اف انجام داد. به دنبال آن، روابط نظامی دو طرف وارد مرحله جدیدی شد؛ به طوری که برخی از کارشناسان، این دیدار را نقطه آغازین اتحاد دو کشور می‌دانند (Lev, 2012). بعد از مرگ پدر، سیاست همکاری با اسرائیل توسط الهام علی‌اف نیز پیگیری شد.

در سال ۲۰۰۹ شیمون پرز، رئیس‌جمهور اسرائیل، وارد باکو شد. در دیدار وی با الهام علی‌اف، رئیس‌جمهوری آذربایجان بر گسترش روابط در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی تأکید کرد (Israel Ministry of Foreign Affairs Website, June 28, 2009). در فوریه ۲۰۱۲ به عنوان بخشی از همکاری‌های نظامی، قراردادی به ارزش ۱/۶ میلیارد دلار بین باکو و تل‌آویو امضا شد که طی آن آذربایجان از اسرائیل تجهیزات جنگی پیشرفته‌ای دریافت می‌کرد. بر اساس این قرارداد، صنایع نظامی اسرائیل سیستم‌های ضد تانک، سیستم‌های هوایی پیشرفته و تجهیزات ضد پیاده‌نظام در اختیار ارتش آذربایجان قرار می‌دهد. همچنین، سیستم دفاع هوایی اسرائیل به جمهوری آذربایجان کمک می‌کند هواپیماهای بدون سرنشین در این کشور تولید شود (Spacewar, 2011).

معاملات تسلیحاتی میان تل‌آویو و باکو طی سال‌های ۲۰۱۲ به بعد بالغ بر ۴ میلیارد دلار برآورد شده است (Lindenstrauss, 2015: 70). اسرائیل در تجهیز نیروی دریایی آذربایجان در دریای خزر نیز نقشی جدی دارد. فروش ۱۲ فروند کشتی برای محافظت از سواحل آذربایجان در سال ۲۰۱۴ و یا فروش موشک‌های ضد کشتی گابریل ۵، بخشی از همکاری‌های نظامی دو طرف در حوزه دریایی است. در سال ۲۰۱۶ روزنامه‌های اسرائیلی از قصد این رژیم برای تحویل هواپیماهای بدون سرنشین بیشتر به آذربایجان خبر دادند (Haaretz, 2016)؛ هواپیماهایی که در نبرد مهم آوریل ۲۰۱۶ نقش مهمی در موفقیت نیروهای آذربایجانی در برابر ارمنستان داشتند که به اعتراض ارمنستان و آرامنه بر علیه تل‌آویو منجر شد. بودجه دفاعی آذربایجان در سال

جاری میلادی یعنی ۲۰۱۶ در حدود ۱/۷۷ میلیارد دلار است و در این میان باکو دومین بازار بزرگ صادرات نظامی اسرائیل به شمار می‌رود (Sargsyan, 2016: 3).

طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵، چندین مرتبه وزرای خارجه و دفاع اسرائیل از باکو بازدید کرده و در سال ۲۰۱۳ وزیر خارجه آذربایجان از تل‌آویو دیدار کرد. در میان کشورهای اسلامی، آذربایجان نزدیک‌ترین همکاری را با اسرائیل دارد؛ به گونه‌ای که حتی پس از سردی روابط آنکارا و تل‌آویو، این روابط با قوت ادامه پیدا کرد. اسرائیل که برای دهه‌ها با همسایگان عرب و مسلمان خود رابطه‌ای خصمانه داشته، تلاش می‌کند برای ارتقاء امنیت و بهبود وجهه خود، روابطش را با کشورهای اسلامی افزایش دهد. آذربایجان که به لحاظ تاریخی روابط خوبی با یهودیان داشته و از طرف دیگر در همسایگی ایران نیز قرار دارد، بهترین گزینه در این راستا به حساب می‌آید. نگرانی‌های امنیتی اسرائیل از ناحیه ایران عاملی کلیدی در گسترش روابط این رژیم با جمهوری آذربایجان است. تلاش‌های ایران برای دستیابی به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای از نظر اسرائیل چالشی جدی برای امنیت این رژیم به شمار می‌رود.

اسرائیل برای رفع این نگرانی، استراتژی دیپلماسی فعال را در مناطق پیرامونی ایران آغاز کرده است. اوزی رابی^۱ تحلیل‌گر معروف اسرائیلی معتقد است اسرائیل برای جلوگیری از تهاجم ایران باید با اجرای دیپلماسی فعال، ائتلاف‌های چندگانه‌ای را شکل دهد (Grigoryan, 2009). بر این اساس، آذربایجان به عنوان همسایه شمالی جمهوری اسلامی ایران، در سیاست خارجی اسرائیل از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. سخنان لیبرمن^۲ وزیر خارجه سابق اسرائیل، در سفر به باکو در سال ۲۰۱۲ مبنی بر اینکه آذربایجان برای اسرائیل مهم‌تر از فرانسه است، بیان‌گر اهمیت باکو در سیاست خارجی تل‌آویو و تمایل مقامات تل‌آویو برای اتحاد استراتژیک با باکو است (Murinson, 2014: 9). در این راستا، مقامات اسرائیل به کرات حمایت خود را از تمامیت ارضی آذربایجان اعلام کرده‌اند. اویوی^۳ سفیر پیشین اسرائیل در ترکیه در این مورد گفته است: «ما اصل تمامیت ارضی آذربایجان را به رسمیت می‌شناسیم. ما مخفی نمی‌کنیم که روابط ما با آذربایجان مستحکم‌تر از روابطمان با ارمنستان است. روابط ما با باکو از لحاظ استراتژیک

1. Ozzy Robby

2. Lieberman

3. Avivi

برای ما مهم است. ما نگرانی‌های باکو در رابطه با ایران را بهتر از دیگران درک می‌کنیم و این، زمینه مناسبی برای دوستی ماست» (Avivi, 2011).

ه. همکاری‌های اطلاعاتی و امنیتی جمهوری آذربایجان و اسرائیل

همکاری‌های اطلاعاتی و امنیتی، اهمیت حیاتی در روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل برخوردار است. در اکتبر ۲۰۰۱ دیداری بین حیدر علی‌اف و سفیر وقت اسرائیل در جمهوری آذربایجان صورت گرفت و دو طرف تأکید کردند که مواضع‌شان در رابطه با گروه‌های تروریستی شبیه به هم است. مبادله اطلاعات، تجزیه و تحلیل اطلاعات از جمله اطلاعات ماهواره‌ای و آموزش سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی آذربایجانی از جمله زمینه‌های همکاری‌های امنیتی دو کشور است. یکی از اولویت‌های اسرائیل در همکاری امنیتی با آذربایجان، مبارزه با شبکه اطلاعاتی ایران در کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی و قفقاز و به ویژه آذربایجان عنوان شده است. در سال ۲۰۰۷ مقامات آذربایجانی ادعا کردند ۱۵ نفر را که جاسوس ایران بوده‌اند و از فعالیت‌های اسرائیل و غرب اطلاعات جمع‌آوری می‌کردند، دستگیر کرده است (Fox News, March 14, 2012) در مقابل، در فوریه ۲۰۱۲ ایران اعلام کرد آذربایجان به عوامل سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل در کشور خود پناه داده است؛ افرادی که با گذر از مرز، وارد خاک ایران شده و دانشمندان هسته‌ای ایران را ترور کردند (جوادی ارجمند و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۱).

به نظر می‌رسد هدف اصلی اسرائیل از همکاری‌های اطلاعاتی و نظامی با باکو، رصد و در نهایت، ضربه‌زدن به برنامه‌های هسته‌ای و موشکی ایران است. بعد از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، روابط ایران و اسرائیل قطع شد و دو کشور همدیگر را به چشم دشمن نگاه می‌کنند و در همین چارچوب، برنامه هسته‌ای و موشکی ایران به تنش‌ها و نگرانی‌های اسرائیل دامن زده است. شیمون پرز، رئیس‌جمهور سابق اسرائیل، معتقد بود اسرائیل از سوی هیچ کشوری جز ایران تهدید نمی‌شود. وی ایران را بزرگترین تهدید برای امنیت و موجودیت اسرائیل اعلام کرده است (جعفری ولدانی، ۱۳۸۲: ۸۴). بنابراین، اسرائیل با تمام توان در پی نابودی یا حداقل، متوقف کردن برنامه‌های هسته‌ای و موشکی ایران است؛ اقدامی که قبلاً در رابطه با کشورهای عراق و سوریه نیز انجام داده است. البته، ایران با کشورهای یادشده، هم به لحاظ توانایی پاسخ‌دادن به اقدام اسرائیل و هم به لحاظ مسافت تفاوت‌های اساسی دارد. در واقع، تأسیسات

هسته‌ای ایران در فاصله دورتری از اسرائیل قرار دارند. این موضوعی است که اسرائیل را بیشتر به اجرای راهبرد پیرامونی ترغیب کرده است.

در این راستا، برخی از منابع، از ایجاد تأسیسات استراق سمع الکترونیکی اسرائیل در امتداد سواحل دریای خزر و مرزهای ایران خبر می‌دهند (Abilov, 2009: 156). سلطه اسرائیل بر یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین سیستم‌های ارتباطی آذربایجان، یعنی «اپراتور تلفن همراه» این کشور که توسط شرکت اسرائیلی باکسل^۱ اداره می‌شود، زمینه فعالیت این رژیم را آسان‌تر کرده است (Murinson, 2014: 27). در اواسط سال ۲۰۱۲ مجله آمریکایی «فارین پالیسی» گزارشی منتشر کرد مبنی بر اینکه جمهوری آذربایجان به اسرائیل اجازه دسترسی به پایگاه‌های هوایی خود را داده است. این ادعا، در صورت صحت، قدمی اساسی در رابطه با حمله احتمالی اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران به شمار می‌رفت (Jewishjournal, 2012). البته، هم مقامات آذربایجانی و هم مقامات اسرائیلی این موضوع را رد کردند (Lindenstrauss, 2015: 73). بنابراین، این احتمال وجود دارد که در صورت بالاگرفتن تنش بین ایران و اسرائیل، تل‌آویو تلاش کند از پایگاه‌های موجود در آذربایجان برای ضربه‌زدن به تأسیسات هسته‌ای کشورمان استفاده کند (Lindenstrauss, 2015: 73). با این حال، فعلاً شواهد محکمی وجود ندارد مبنی بر اینکه باکو چنین اجازه‌ای به اسرائیل داده باشد.

و. همکاری‌های اقتصادی جمهوری آذربایجان و اسرائیل

سطح روابط اقتصادی جمهوری آذربایجان و اسرائیل قابل توجه است. میزان مبادلات تجاری باکو و تل‌آویو در سال ۲۰۱۵ حدود ۵ میلیارد دلار بوده که بیشتر از مبادلات تجاری فرانسه و اسرائیل است (The Jerusalem Post, 2016). نیاز مبرم آذربایجان به تکنولوژی‌های پیشرفته، پیشرفت‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری خارجی و نبود این امکانات در منطقه قفقاز جنوبی، مقامات جمهوری آذربایجان را متقاعد کرده که با برقراری رابطه با اسرائیل که دارای تکنولوژی پیشرفته‌ای در بخش صنعت و کشاورزی و همچنین دارای سرمایه‌های لازم برای سرمایه‌گذاری است، می‌تواند به اقتصاد آذربایجان کمک کند. وجود ذخایر عظیم انرژی در سواحل آذربایجان

که در حدود ۷ میلیارد بشکه نفت خام و ۳۵ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی است، این کشور را به بازیگری مطرح در بازار صادرات انرژی تبدیل کرده است (EIA, 2015).

اسرائیلی‌ها تلاش‌های دیپلماتیک زیادی برای سرمایه‌گذاری در حوزه‌های نفتی و گازی آذربایجان انجام داده‌اند. بیشترین حجم روابط تجاری میان باکو و تل‌آویو، مربوط به فعالیت‌ها در زمینه انرژی است (Kogan, 2007: 1). اسرائیل پس از ایتالیا، دومین واردکننده نفت آذربایجان است (نیاکوئی و کریمی‌پور، ۱۳۹۴: ۲۲). در سال ۲۰۱۵ این رژیم ۴۰ درصد نفت مصرفی خود را از باکو وارد کرده است (Sargsyan, 2016: 3). در اوت ۱۹۹۷ بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر وقت اسرائیل، در دیدار با حیدر علی‌اف، تأمین نفت مورد نیاز کشورش از طریق آذربایجان را در راستای منافع ملی اسرائیل توصیف کرد (Abilov, 2009: 156). در چنین شرایطی، شرکت‌های صهیونیستی در صنعت انرژی جمهوری آذربایجان حضور فعالی دارند. برای نمونه، شرکت «مادکون» که عرضه‌کننده فناوری پیشرفته در صنایع نفت و گاز است، در جمهوری آذربایجان دارای شعبه است (Murinson, 2014: 27).

داشتن بازار ۴۰ درصدی در اسرائیل، با توجه به اینکه ۹۰ درصد صادرات آذربایجان را نفت و گاز تشکیل می‌دهد، برای باکو بسیار مهم است. دشمنی ایدئولوژیک اعراب با اسرائیل و عدم اطمینان خاطر اسرائیل از تأمین امنیت انرژی این رژیم از سوی کشورهای حوزه خلیج فارس، باعث جلب توجه مقامات تل‌آویو به حوزه نفتی و گازی خزر برای سرمایه‌گذاری و واردات انرژی در طولانی مدت شده و این تمایل به تداوم روابط اقتصادی در درازمدت، یکی از دلایل تمایل این رژیم برای اتحاد استراتژیک با آذربایجان است.

ز. تأثیر روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل بر امنیت ملی ایران

روابط آذربایجان-اسرائیل بر ابعاد مختلف روابط تهران و باکو سایه افکنده، اما اگر امنیت و تهدید را در پیروی از رویکرد «باری بوزان»، به پنج مقوله نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی تقسیم کنیم، تهدیدات ناشی از روابط باکو و تل‌آویو بیشتر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در دو بخش نظامی و سیاسی تأثیر می‌گذارد. تل‌آویو در تلاش است با استفاده از اقداماتی نظیر ایجاد سامانه‌های راداری پیشرفته و پایگاه‌های استراق سمع در

مجاورت مرزهای ایران، انجام فعالیت‌های جاسوسی و کسب آمادگی برای انجام حملات ضربتی علیه ایران، موقعیت خود را در برابر ایران ارتقا و در مقابل، آسیب‌پذیری جمهوری اسلامی ایران را افزایش دهد. به همین دلیل، مقام‌های ایرانی بارها از روابط دوستانه جمهوری آذربایجان با اسرائیل ابراز نگرانی کرده و دولت جمهوری آذربایجان را به همکاری با جاسوسان و تروریست‌های اسرائیل متهم کرده‌اند.

در رسانه‌های ایران نیز بحث‌های زیادی درباره جاسوسی اسرائیل علیه ایران از طریق آذربایجان صورت گرفته است (Vira et al, 2012: 23). در شهریور ۱۳۹۳ ایران پهباد متعلق به اسرائیل را بر فراز نطنز مورد هدف قرار داد که رسانه‌ها مبدأ حرکت آن را منطقه نخجوان جمهوری آذربایجان اعلام کردند (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۳). «فارین پالیسی» در سال ۲۰۱۲ گزارش داد که باکو به اسرائیل اجازه داده در صورت درگیری احتمالی بین تهران و تل‌آویو، از پایگاه‌های نظامی جمهوری آذربایجان برای بمباران ایران استفاده کند که البته با انکار مقامات آذربایجانی مواجه شد (Lindenstrauss, 2015: 73).

از دید مقامات اسرائیل، برنامه هسته‌ای ایران نه تنها برای آن رژیم، بلکه برای کل منطقه خاورمیانه خطری جدی به شمار می‌رود. بنابراین، قبل از اقدامات شورای امنیت باید از کلیه روش‌ها برای ضربه‌زدن به این برنامه یا متوقف کردن آن استفاده شود؛ زیرا ایران دشمن شماره یک اسرائیل است (Murinson, 2014: 12). نمونه‌های بالا در این چارچوب قابل درک است.

راهبرد امنیت ملی اسرائیل، مبتنی بر جلوگیری از هسته‌ای شدن کشورهای خاورمیانه است. بنابراین، اسرائیل که ایران را به عنوان تهدیدکننده اصلی امنیت ملی و موجودیت خود می‌داند (Kuperwasser, 2015: 20)، از هسته‌ای شدن ایران هراس دارد و حتی تهدید کرده که در صورت عدم اقدام جدی از سوی شورای امنیت در راستای جلوگیری از هسته‌ای شدن ایران، تأسیسات هسته‌ای این کشور را مورد هدف قرار خواهد داد (Kuperwasser, 2015: 24). علاوه بر این، حضور نظامی - امنیتی اسرائیل در آذربایجان با توجه به تعارضات استراتژیک این رژیم با ایران، می‌تواند به تشدید فضای نظامی‌گری در منطقه منجر شود؛ که ضمن واگرایی سیاسی - امنیتی میان کشور جمهوری آذربایجان با جمهوری اسلامی ایران، محیط امنیتی

پیرامونی ایران را ناامن کرده و باعث چالشی جدی برای امنیت ملی ایران می‌شود. از طرف دیگر، حضور اسرائیل ممکن است باعث بسترسازی حضور ناتو و آمریکا در قفقاز جنوبی شود، هرچند ناتو اعلام کرده است فعلاً قصدی برای همکاری با آذربایجان ندارد (Kucera, 2012). همه این موارد برای ایران تهدید است.

در استراتژی امنیت ملی اسرائیل، نفوذ اقتصادی مقدمه نفوذ سیاسی قلمداد می‌شود. اظهارات شیمون پرز، مبنی بر اینکه قدرت تل‌آویو مبتنی بر علم و تکنولوژی است و نه ارتش، بیان‌گر اهمیت اقتصاد از دید مقامات این رژیم است. تل‌آویو افزایش قدرت اقتصادی خود را هم‌زمان با هدف تضعیف اقتصاد دیگر کشورهای منطقه به خصوص ایران پیگیری می‌کند (Ravid, 2013). چون ایجاد موازنه قوای نظامی نیازمند اقتصاد قوی است، اسرائیل به دنبال تضعیف اقتصادی ایران نیز هست. حمایت و لابی‌گری‌های گسترده تل‌آویو و لابی‌های صهیونیستی برای اعمال تحریم‌های بیشتر از سوی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران گواه روشنی بر این مدعا است. در چنین شرایطی، اولویت استراتژیک اسرائیل در توسعه روابط اقتصادی و دیپلماتیک با کشورهای آسیای میانه و قفقاز، جلوگیری از گسترش نفوذ ایران و ممانعت از مشارکت ایران در پروژه‌های اقتصادی به خصوص پروژه‌های مرتبط با نفت و گاز این منطقه است (Khalifa-Zadeh, 2013: 62). همکاری‌های سیاسی و اقتصادی باکو و تل‌آویو، به کاهش حوزه نفوذ و تأثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران در آذربایجان و منطقه قفقاز می‌انجامد.

همچنین، حضور اقتصادی اسرائیل در بخش‌های مختلف اقتصاد آذربایجان، علاوه بر اینکه زمینه‌ساز ارتقاء دیگر زمینه‌های همکاری است، باعث می‌شود سطح همکاری‌های ایران در این حوزه‌ها و بهره‌گیری از مزایای اقتصادی آن به شدت کاهش یابد که این مسئله، زیان‌های اقتصادی و کاهش نفوذ سیاسی ایران را در منطقه به دنبال خواهد داشت. از طرف دیگر، تأمین امنیت انرژی اسرائیل می‌تواند ضریب امنیتی آن را بالا برده و آسیب‌پذیری آن در مقابل مخالفان و دشمنانش، نظیر ایران را کاهش می‌دهد.

یکی دیگر از اهداف اسرائیل از حضور در آذربایجان، مقابله با گسترش نفوذ ایران و جلوگیری از شکل‌گیری نظم منطقه‌ای مطلوب ایران در منطقه قفقاز است. برای تحقق هدف

مذکور، تل آویو معمولاً ایران را به عنوان تهدیدکننده امنیت ملی، نظام حکومتی و ثبات داخلی دولت های منطقه معرفی می کند و خطر گسترش بنیادگرایی اسلامی را تبلیغ می نماید. ایران هراسی هدفی است که مقامات اسرائیل مکرراً آن را تبلیغ می کنند. اظهاراتی مبنی بر اینکه علاقه جمهوری آذربایجان و اسرائیل به همدیگر، از ترس متقابل آن ها از ایران ریشه می گیرد (Usak, 2013) و یا ادعای اینکه تهدید موجودیت اسرائیل و آذربایجان توسط ایران باعث نزدیکی آن دو شده، بیانگر این موضوع است (Lindenstrauss, 2015: 71). از نظر تل آویو، جمهوری اسلامی ایران حامی حرکت های اسلام گرایانه است که بایستی به روش های مختلف مانع نفوذ و تأثیرگذاری آن شد.

راه اندازی مراکز متعدد و مختلف فرهنگی به ویژه در آذربایجان از سوی اسرائیل برای یهودیان این کشور و گسترش روابط فرهنگی با دیگر کشورهای منطقه، نمونه هایی از این نوع فعالیت های پیش گیرانه اسرائیل علیه ایران هستند. حضور اسرائیل در بخش فرهنگی جمهوری آذربایجان از طریق جامعه یهودیان این کشور و نفوذ در رسانه ها و مطبوعات این کشور قابل توجه است و در واقع، جامعه یهودیان آذربایجان در بخش های فرهنگی آذربایجان حضور گسترده ای دارند (Abilov, 2009: 151).

این وضعیت، شرایط را برای ترویج و تبلیغ ایران هراسی در منطقه و به ویژه در جمهوری آذربایجان تسهیل می کند. بنابراین، در شرایطی که غرب و متحد منطقه ای آن یعنی تل آویو در تلاش هستند با طرح اتهاماتی نظیر حمایت ایران از بنیادگرایی اسلامی و گروه های تروریستی، ذهنیت امنیتی منفی نسبت به ایران در نخبگان و افکار عمومی کشورهای قفقاز از جمله جمهوری آذربایجان ایجاد کنند، این مسئله بسیار مهمی است و نمی توان آن را نادیده گرفت.

نتیجه گیری

بعد از جنگ قره باغ و سلطه ارمنستان بر این منطقه، رویه های غرب گرایانه در سیاست خارجی جمهوری آذربایجان تشدید شد. در این شرایط، باکو در برابر حمایت روسیه از ارمنستان، سعی در جلب حمایت غرب کرد؛ به این امید که بتواند در برابر ارمنستان و روسیه توازن ایجاد کند. با توجه به جایگاه و اهمیت اسرائیل در میان کشورهای غربی به ویژه آمریکا، رهبران باکو به

برقراری رابطه با اسرائیل روی آوردند. همچنین، با توجه به تحریم تسلیحاتی سازمان همکاری و امنیت اروپا علیه ارمنستان و آذربایجان، اسرائیل منبع مناسبی برای تأمین نیازهای تسلیحاتی آذربایجان محسوب می‌شود. در این وضعیت و با توجه به خصومت و دشمنی در روابط ایران و اسرائیل و تلاش تل‌آویو برای مقابله با ایران، روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل اهمیت زیادی برای هر دو طرف دارد. در واقع، آذربایجان در راستای مقابله با ارمنستان در قضیه ناگورنو قره‌باغ و کسب حمایت‌های نظامی، اطلاعاتی و اقتصادی به سمت نوعی اتحاد و همکاری راهبردی با اسرائیل پیش رفته است. در مقابل، رژیم صهیونیستی نیز در چارچوب «دکترین پیرامونی» که هدف آن رهایی از انزوا و یافتن دوستانی در منطقه برای اعمال فشار بر رقبای و دشمنان خود است، به همکاری‌های نزدیک با جمهوری آذربایجان اقبال نشان داده است. در چنین شرایطی، روابط آذربایجان و ایران همچنان در نوسان خواهد بود. این نوسان تأثیر خود را در عرصه اقتصاد به خوبی نشان داده است. در سال ۲۰۰۷ حجم مبادلات تجاری دو کشور حدود ۴۵۰ میلیون دلار بود، ولی در سال ۲۰۱۱ به ۳۰۰ میلیون دلار کاهش یافت و به این ترتیب، تنها هشت دهم درصد از کل تجارت خارجی آذربایجان با ایران بود. البته در سال ۲۰۱۵ این میزان به یک میلیارد دلار رسید. دلیل عمده این فراز و نشیب‌ها، مسائل سیاسی - امنیتی و دخالت آمریکا و اسرائیل است. با توجه به سیاست اتکا به قدرت هژمون از سوی کشورهای قفقاز، این احتمال وجود دارد که با حضور هرچه بیشتر اسرائیل در جمهوری آذربایجان، زمینه مساعدتری برای کاهش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز و آذربایجان فراهم شود. برای مقابله با این مسئله، نیاز است جمهوری اسلامی ایران نگاه واقع‌بینانه‌ای به مسائل جمهوری آذربایجان داشته باشد و در راستای افزایش اعتماد متقابل بین تهران و باکو تلاش کند.

منابع

- احمدی، حسین و جلیل پیرآن، داراب (۱۳۸۹) «رژیم امنیتی حوزه دریای خزر پس از فروپاشی اتحاد شوروی تا ۲۰۰۹؛ موانع و چالش‌ها»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره سوم.
- توسلی رکن‌آبادی، مجید و رضایی، نیما (۱۳۸۹) «تأثیر ساختار حزبی بر سیاست خارجی اسرائیل در قبال ایران»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۳.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۲) روابط خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی، تهران: آوای نور.
- جوادی ارجمند، محمد جعفر و رضازاده، حبیب و حضرت‌پور، سعیده (۱۳۹۳) «بررسی علت‌های سردی روابط ایران و جمهوری آذربایجان»، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۷، شماره ۱.
- خبرگزاری ایسنا (۱۳۹۳) ۵ شهریور
- مورگنتا، هانس جی. (۱۳۸۴) سیاست میان ملت‌ها، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: وزارت امور خارجه.
- نیاکویی، سید امیر و کریمی پور، داود (۱۳۹۴) «دیپلماسی انرژی اسرائیل: مبانی و اهداف منطقه‌ای»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره بیست و دوم.
- Abedin, Mahan (2004), "Iran at Sea over Azerbaijan", **Asian Times**, at: <http://www.atimes.com/atimes/middle-east/FI28AKOL.html>.
- Abilov, Shamkhal (2009), "the Azerbaijan-Israel Relations: a Non-diplomatic but Strategic Partnership", **OAKA**, Vol. 4, No.8.
- Altstadt, Audrey L. (1999) "The Azerbaijani Turks: Power and Identity under Russian Rule", at: http://ebookey.org/The-Azerbaijani-Turks-Power-and-Identity-Under-Russian-Rule_776519.html#3wBsPMWYsEpAcHCu.99.
- Aras, Bulent & Ozbay, Fatih (2008), " The limits of the Russian- Iranian strategic alliance: its history and geopolitics, and the nuclear issue", **The Korean Journal of Defense Analysis**, Vol. 20, No. 1.
- Avivi, Pinkhaz (2011), "We Embrace the Potential of Economic Ties with the South Caucasus", **Vestnik Kavkaza**, November 7, <http://vestnikkavkaza.net/interviews/politics/19641.html>.
- Az News** (2012), "Iran Provides Every Support to Armenia, Azerbaijani MP", February 14, at: <http://www.news.az/articles/politics/54665>.
- BP** (2008), "Statistical Review of World Energy", Year Book, London: British Petroleum Publications.
- Cagaptay, Soner & Murinson, Alexander (2005), "Good Relations Between Azerbaijan and Israel: a Model for Other Muslim States in Eurasia?", **The Washington Institute for Near East Policy**, March 30.
- Czechowska, Lucyna (2013), "the Concept of Strategic Partnership as an Input in the Modern Alliance Theory", **The Copernicus Journal of Political Studies**, No. 2 (4).

- Ditrych, Ondrej & Souleimanov, Emil (2007), "Iran and Azerbaijan: a Contested Neighborhood", **Middle East Policy**, Vol.14, No. 2.
- Doyle, Clare (2002), "Genocide Debate Complicates Search for Karabakh Peace", at: <http://www.eurasianet.org/departments/insight/articles/eav030602a.shtml>, (Accessed on: 2011/05/21).
- Ehrmann, Maya, Kraus, Josef, Souleimanov, Emil (2013), "The Iran-Israel-Azerbaijan Triangle: Implications on Regional Security", at: <http://www.isvav.cz/resultDetail.do;jsessionid>.
- EIA (2015), "Azerbaijan's Key Energy Statistics", Available at: <http://www.eia.gov/beta/international/country.cfm?iso=AZE>.
- Fox News (2012), "Azerbaijan Arrests Alleged Iran-hired Terrorists", March 14, <http://www.foxnews.com/world/2012/03/14/22-arrested-in-azerbaijan-in-plot-on-us-israeli-embassies/>.
- Frenkel, Sheera (2012), "What's the Israel-Azerbaijan Connection?", **McClatchy Newspapers**, April 26.
- Fuller, Elizabeth (2013), "Azerbaijan's Foreign Policy and the Nagorno-Karabakh Conflict", **Istituto Affari Internazionali**, <http://www.isn.ethz.ch/DigitalLibrary/Publications/Detail/?lng=en&id=159058>.
- Ghez, Jeremy (2011), "Alliances in the 21st Century, Implications for the US-European partnership", **RAND**.
- Grigoryan, Arta (2009), "Priority Directions in the Foreign Policy of Israel: South Caucasus and Central Asia", **Noravank Foundation**, September 22, http://www.noravank.am/eng/articles/detail.php?ELEMENT_ID=3623, (Accessed on: 2014/06/20).
- Haaretz** (2016), 12 April.
- International Crisis Group (2011), "Armenia and Azerbaijan: Preventing War", at: [http://www.crisisgroup.org/~media/Files/europe/caucasus/B60%20Armenia%20and%20Azerbaijan%20---%20Preventing%20War.pdf](http://www.crisisgroup.org/~/media/Files/europe/caucasus/B60%20Armenia%20and%20Azerbaijan%20---%20Preventing%20War.pdf), (Accessed on: 2015/03/11).
- Israel Ministry of Foreign Affairs** (2009), "President Shimon Peres in Azerbaijan and Kazakhstan for Historic First Visit", June 28, at: http://www.mfa.gov.il/MFA/Government/Communiques/2009/President_Peris_visits_Azerbaijan_and_Kazakhstan_28_Jun_2009.htm, (Accessed on: 2014/06/5).
- Jewish Journal** (2012), "Lieberman Denies Israel Has Access to Azerbaijan Air Bases", April 23, at: http://www.jewishjournal.com/israel/article/lieberman_denies_israel_has_access_to_azerbaijan_air_bases_20120423/, (Accessed on: 2014/06/22).
- JTA** (2009), "Iran Recalls Azerbaijan Envoy Following Peres Visit", June 29, at: <http://www.jta.org/news/article/2009/06/29/1006211/iran-recalls-azerbaijan-envoy-following-peres-visit>, (Accessed on: 2014/06/24).
- Kelly, Phil (2016), **Classical Geopolitics: A New Analytical Model**, at: <http://www.amazon.com/Classical-Geopolitics-New-Analytical-Model-Phil-Kelly-ebook/dp/B018VZF3OS>, (2016/5/21).
- Khalifa-Zadeh, Mahir (2013), "Israeli-Azerbaijani Alliance and Iran", **Middle East Review of International Affairs**, Vol.17, No.1.
- Kogan, Alex (2007), "Azerbaijan: Israel's Problematic Energy Provider", **the Jerusalem Post**.
- Kessler, Glenn & Wright, Robin (2007), "U.s.- Israel shared data on suspected nuclear site", **Washington post**, 21september.
- Kuperwasser, Yossi (2015), "Israel's Role in the Struggle over the Iranian Nuclear Project", **Mideast Security and Policy Studies**, No.114.

- Kucera, Joshua (2012), "What Do the US and Israel have to Gain by Strengthening Azerbaijan's Naval Capacities in the Caspian Sea?", **Aljazeera English**, 11 June , at: <http://www.aljazeera.com/indepth/opinion/2012/06/2012610105434101130.html>.
- Lindenstrauss, Gallia (2015), "Israel-Azerbaijan :Despite the Constraints, a Special Relationship", **Strategic Assessment**, Vol.17, No.4.
- Lev, David (2012), "Iran Warns Azerbaijan: Keep Mossad out", Available at: <http://www.israelnationalnews.com/News/News.aspx/152671>, (Accessed on: 2014/04/2).
- Makili-Aliyev, Kamal (2013), "Azerbaijan's Foreign Policy: Between East and West", **Istituto Affari Internazionali**.
- Murinson, Alexander (2008), Jews in Azerbaijan: a History Spanning Three Millennia, **Vision of Azerbaijan**, Vol.3.2.
- Murinson, Alexander (2014), "the Ties between Israel and Azerbaijan", **the Begin-Sadat Center for Strategic Studies**, Bar-Ilan University.
- NBC News (2012), "Iran Threatens Pre-emptive Action amid Nuclear Tensions", February 21, at: http://www.msnbc.msn.com/id/46461790/ns/world_news-mideast_n_africa/t/iran-threatens-pre-emptive-action-amid-nuclear-tensions/, (Accessed on: 2013/06/12).
- Ravid, Barak(2013), "Netanyahu: Iran Nuclear Deal Endangers Israel. We Will Defend Ourselves", **Haaretz**, November 24.
- RIA Novosti (2010), "Russia Extends Lease on Military Base in Armenia through 2044", at: http://en.rian.ru/military_news/20100820/160276128.html, (Accessed on: 2014/06/22).
- Sadegh-Zadeh, Kaweh (2008), "Iran's Strategy in the South Caucasus", **Caucasian Review of International Affairs**, Vol. 2 (1).
- Sajedi, Amir (2008), "Why Palestine-Israel Peace is not Realizing?", **India Quarterly: a Journal of International Affairs**, Vol.64, No.3.
- Sapozhnikov, Michael (2010) "Baku, Azerbaijan, Jews and the Klionskys", at: <http://www.klionsky.org/migr>, (Accessed on: 2013/06/12).
- Sargsyan, Marine (2016), "Military Engagements of the South Caucasus Countries", **Regional Studies Center**, No.3, March.
- Sloame, Joanna (2012), "The Virtual Jewish History Tour: Azerbaijan", at: <http://www.jewishvirtuallibrary.org/jsource/vjw/Azerbaijan.html>, (Accessed on: 2013/06/12).
- Spacewar (2011), Azeris Get Israel UAVs Built under License", October 7, at: http://www.spacewar.com/reports/Azeris_get_Israel_UAVs_built_under_license_999.html, (Accessed on: 2013/06/12).
- Tepper, Aryeh (2010), "the Azeri Exception", **Jewish Ideas Daily**, at: <http://www.jewishideadaily.com/content/module/2010/10/29/main-feature/1/the-azeri-exception>, (Accessed on: 2013/06/12).
- The Jerusalem Post,(2016).
- USAK (Uluslararası Stratejik Araştırmalar Kurumu) (2013), "Relation between Azerbaijan and Israel", at: <http://www.usak.org.tr/EN/myazdir.asp?id=797>, (Accessed on: 13/03/2013).
- Valiyev, Ali (2009), "Brothers, Neighbors, Rivals", **TOL**, 17 March 2009, at: <http://www.tol.org/client/article/20457-brothers-neighbors-rivals.html>, (Accessed on: 24/03/2011).
- Vira, Varun & Erin, Fitzgerald & Brandon, Fite (2012), "the United States and Iran: Competition Involving Turkey and the South Caucasus, (CSIS) **Center for Strategic International Studies**.
- Yaako, Katz (2006), "a Lesson in Coexistence", the Federation of Jewish Communities of the CIS, at: <http://www.fjc.ru/news/newsArticle.asp?AID=366948>, (Accessedon:2013/06/12).
- Walt, Stephen (1987), **the Origins of Alliances**, Ithaca, New York Press.